



وزیر کار احمدی نژاد و قانون کار

نداشته باشد، اما همین یک جمله و حمله ی ایشان از پهلو به قانون کار، از کنه خواست وزیر سرمایه داران پرده بر می دارد و البته چیزی نمی گذرد که دبیر شورای نگهبان، یکی از رهبران نظری و هم پیمانان و حامیان پرنفوذ ایشان، به لهجه صریح و شفاف به این مسئله اشاره می کند و فاش می سازد که یکی از برنامه های اصلی وزیر کار جدید، "اصلاح قانون کار" است. دبیر شورای نگهبان احمد جنتی، در مراسم معارفه وزیر کار جدید، با اشاره کوتاهی به مقطع تصویب قانون کار در مجمع تشخیص مصلحت و این که شورای نگهبان ایرادهای زیادی به آن داشته است، از "مشکلاتی که اکنون در ارتباط با قانون کار وجود دارد" صحبت می کند و باتوجه به میزان آشنائی و نزدیکی خود با وزیر کار و شناخت از تعلقات وی می گوید "یکی از برنامه های آقای جهرمی اصلاح قانون کار

در صفحه ۵

مرگ ۱۱ کارگر معدن و افزایش وحشتناک حوادث ناشی از کار

دستگاههای تهویه و تخلیه گاز معدن اعلام شده است. هدف از این اقدام سرمایه دار، کاهش هزینه ها و افزایش سودی است که به بهای جان کارگر انجام می گیرد.

کارگران معادن در ایران، همه روزه در معرض سوانح و بیماری های ناشی از کار قرار دارند. این سوانح همواره با لطمات جسمی به کارگران، از کارافتادگی جزئی

در صفحه ۶

یکی دیگر از عرصه های تعرض وزیر کار احمدی نژاد به حقوق کارگران دست کاری قانون کار و تغییر آن به زیان کارگران است. آقای محمد جهرمی در همان آغاز که از سوی احمدی نژاد برای تصدی وزارت کار و امور اجتماعی معرفی شده بود، نقشه و خواست خویش برای تغییر قانون کار را بر ملا ساخت. آقای جهرمی که نخستین هدف خود را ظاهرآ آموزش فنی و کسب مهارت کارگران قرار داده است و چپ و راست به کارگران گوشزد می کند که بدون مهارت و تخصص، از کار و شغل خبری نخواهد بود، خطاب به کارگران می گوید: "شمانباید به قانون کار متکی باشید، به مهارت و ارتقای مهارت و انضباط کاری خود متکی باشید."

این سخن وزیر کار در زمینه قانون کار، بی اهمیت جلوه دادن آن و این که کارگران نباید به قانون کار متکی باشند، گرچه هنوز ممکن است از جنبه ی تعرض مستقیم به حقوق کارگران از طریق دست کاری قانون کار، صراحت لازم را

روز ۲۲ شهریور ماه، انفجار ناشی از گاز متان در معدن زغال سنگ باب نیز، در استان کرمان، به مرگ ۱۱ تن از کارگران انجامید. یک ماه پیش از این نیز در همین معدن ۴ تن از کارگران جان خود را از دست دادند.

علت این انفجار و مرگ کارگران، همانند صدها مورد دیگر آن که هر روز نمونه های آن، در ایران رخ می دهد، عدم رعایت ضوابط ایمنی در محیط کار از سوی کارفرما، فعال نبودن

اینجا بهشت سرمایه داران است،

اینجا جهنم کارگران است، اینجا دویی است



خوانندگان نوشته ی زیر شاید تاکنون تصاویری از جزایر «نخل» را دیده اند که تلویزیون های بزرگ با آب و تاب به عنوان یک شاهکار فنی و ساختمان سازی پخش می کنند. این جزایر مصنوعی به شکل نخل در سواحل دویی، یکی از هفت امیرنشین امارات متحده ی عربی قرار است شامل چند صد آپارتمان، ۴۰۰۰ ویلا با ساحل خصوصی، ۲۵ هتل و ۲۰۰

در صفحه ۳

تصویب قطعنامه ی آژانس بین المللی انرژی اتمی علیه جمهوری اسلامی

شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی روز شنبه دوم مهر ماه برابر با ۲۴ سپتامبر، سرانجام پس از چند روز بحث و گفتگو، قطعنامه ای علیه جمهوری اسلامی صادر کرد. اجلاس شورا که جهت رسیدگی به پرونده اتمی جمهوری اسلامی در وین تشکیل شده بود، ابتدا نتوانست برسر قطعنامه پیشنهادی سه کشور اروپائی (فرانسه، انگلیس و آلمان) که طی دو سال ونیم گذشته با جمهوری اسلامی درحال مذاکره بودند، به توافق برسد. از این رو در میانه اجلاس اعلام شد که گفتگوها با سران حکومت اسلامی جهت متقاعد کردن آنها ادامه خواهد یافت، اما پس از مذاکرات و بند و بست های پشت پرده و انجام تغییراتی در قطعنامه پیشنهادی، سرانجام روز شنبه با ۲۲ رای موافق، ۱۲ رای ممتنع و یک رای مخالف به تصویب شورای حکام رسید. قطعنامه، حکومت اسلامی را به سبب عدم همکاری با آژانس انرژی اتمی، پنهان کاری در رابطه با تولید انرژی هسته ای و زیر پا گذاشتن قوانین و قرارها محکوم کرده و از حکومت اسلامی خواسته است فعالیت مراکز تولید انرژی هسته ای را بلافاصله به حالت تعلیق در آورد، امکان دسترسی بازرسان آژانس به مراکز مربوطه از جمله اماکن نظامی و امکان تماس با متخصصین اتمی ایران را که در این مراکز به کار مشغولند را فراهم سازد و اسناد و مدارک لازم در رابطه با فعالیت های هسته ای را در اختیار بازرسان آژانس قرار دهد. در بند سوم قطعنامه پیش بینی شده است در صورتی که موارد ذکر شده اجرایشوند، پرونده ایران از سوی آژانس بین المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع خواهد شد.

اگر چه در قطعنامه زمان مشخصی برای ارجاع پرونده اتمی جمهوری اسلامی به شورای امنیت در نظر گرفته نشده است، اما نفس تصویب این قطعنامه و لحن به کار گرفته شده در آن، اعلام پایان دوره ای از مذاکرات برسر پرونده اتمی جمهوری اسلامی به ابتکار اروپاست. طی دو

در صفحه ۲

در این شماره

- ۲ اخباری از ایران
- ۴ اخبار کارگری جهان
- خلاصه ای از اطلاعیه ها
- و بیانیه های سازمان
- ۶ مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۵۶)
- ۸

تصویب قطعنامه ی...

سال و نیم گذشته، اتحادیه اروپا با این هدف که ابتکار عمل مسئله بررسی چگونگی طرح های جمهوری اسلامی جهت دست یابی به سلاح های اتمی را از دست آمریکا بگیرد، مذاکره با حکومت اسلامی بر سر این مسئله راندنبار کرد. دولت های فرانسه، آلمان و انگلیس طی این دوره با جمهوری اسلامی توافقاتی به امضا رساندند. از جمله در توافق موسوم به سعد آباد که سال گذشته در تهران امضا شده، حکومت اسلامی پروتکل الحاقی ژانز آنرزی اتمی را پذیرفت و انجام تعهداتی فرای مصوبات ژانز آنرزی بر عهده گرفت. اما در ادامه کشاکش سیاسی میان آمریکا و دول اروپایی با جمهوری اسلامی، مذاکرات به بن بست رسید و سرانجام قطعنامه پیشنهادی فرانسه، آلمان و انگلیس باتغییراتی در جلسه شورای حکام به تصویب رسید.

اکنون شورای حکام ژانز آنرزی اتمی، قطعنامه ای را در برابر جمهوری اسلامی قرارداد و از حکومت اسلامی خواستار اجرای آن است. این که آمریکا و اروپا توانسته اند در این مرحله عجالتا روسیه و چین را از مخالفت با تصویب قطعنامه بازدارند و هند، متحد دیرینه حکومت اسلامی را با خود همراه نموده و قطعنامه را به تصویب برسانند، نشانگر عزم آنان در اعمال فشار بر جمهوری اسلامی است تا به شرایط مورد نظر آنان تن دهد. قطعنامه شورای حکام، توقف فعالیت کلیه نیروگاه ها را پیش شرط از سرگیری مذاکرات قرار داده است. با توجه به روند مذاکرات میان حکومت اسلامی و ژانز آنرزی و مواضع حکومت اسلامی در ماههای اخیر به ویژه پس از ریاست جمهوری احمدی نژاد، جمهوری اسلامی بعید است این شرایط را بپذیرد. پذیرش شرایط قطعنامه یعنی خط بطلان کشیدن بر تمام دعای سران حکومت و تبلیغات آنان در دفاع از حق برابر دولت ها در روابط بین الملل. در عرصه داخلی نیز فضای چنین حرکتی دامن زدن به بحران درونی حکومت و تضعیف هر چه بیشتر رژیم خواهد بود.

از این گذشته سران جمهوری اسلامی هم می دانند که گرچه محدود کردن توان بالقوه آنان در دستیابی به سلاح های اتمی برای غرب و به ویژه آمریکا و اسرائیل اهمیت فراوانی دارد، اما اعمال فشار بر حکومت اسلامی اهداف سیاسی معینی را نیز مدنظر دارد. شرایط سیاسی امروز جهان و منطقه خاور میانه ایجاب می کند که جمهوری اسلامی خود را با شرایط جدید همسان سازد. این مسئله از آن رو از دیدگاه آمریکا حائز اهمیت است که به ویژه تغییرات سال های اخیر در اوضاع افغانستان و عراق به تقویت موقعیت جمهوری اسلامی در این مناطق انجامیده و اگر حکومت اسلامی کنترل و محدود نشود، می تواند به بحران در این مناطق دامن بزند. انتخابات اخیر ریاست جمهوری و روی کار آمدن احمدی نژاد و دارو دسته او بر حساسیت اوضاع افزوده است. از این رو اروپا و آمریکا مصمم اند جمهوری اسلامی را وادار به پذیرش شرایط شان کنند.

حکومت اسلامی به ویژه در طول چند ماه گذشته، از یک سو در سطح بین المللی تلاش کرده از تضاد میان اروپا و آمریکا از سوی دیگر

اخباری از ایران

اقدام اعتراضی کارگران "دوده صنعتی"

کارگران شرکت "دوده صنعتی" ساوه روز دوشنبه ۲۱ شهریور مدیر عامل و مدیر کارخانه را پس از بی توجهی شان به خواسته های کارگران در اتاق مدیر عامل به مدت هشت ساعت محبوس کردند.

اقدام کارگران در حالی صورت گرفت که کارگران با حضور در دفتر مدیر عامل و بیان خواسته های شان، مورد بی اعتنائی مدیریت کارخانه قرار گرفتند. کارگران در جریان این اقدام ضمن اعتراض به عملکرد مدیریت کارخانه که منجر به بلاتکلیفی بخشی از کارگران شده، خواستار تغییر مدیریت شدند. کارگران همچنین به وجود تبعیض و عدم برخورداری از برخی مزایا و حقوق صنفی خود اعتراض دارند.

اعتصاب کارگران "ایران پویا"

کارگران یخچال سازی "ایران پویا" روز سه شنبه ۲۲ شهریور در اعتراض به عملکرد مدیریت دست از کار کشیدند. در پی این حرکت کارگران، نیروی انتظامی در حمایت از کارفرما، با پرتاب گاز اشک آور به مقابله با کارگران پرداخت که در نتیجه ۶ کارگر "ایران پویا" مجروح و به بیمارستان منتقل شدند.

در حالی که کارخانه "ایران پویا" از بازار فروش خوبی برخوردار است، مدیریت کارخانه به کاهش تولید دست زده است و در عین حال مدیران کارخانه دارای درآمدهای آن چنانی هستند. این کارخانه توسط "بنیاد مستضعفان و جانبازان" اداره می شود.

تجمع کارگران "پلی اکریل"

۲۰۰ نفر از کارگران شرکت "پلی اکریل" اصفهان روز پنجشنبه ۲۴ شهریور در اعتراض به تصمیم کارفرما جهت فروش "مجموعه تفریحی فرهنگی باغ پلی اکریل" که از امکانات رفاهی و تفریحی کارگران شرکت است در مقابل ساختمان "احیاء فولاد" سهامدار اصلی "پلی اکریل" تجمع کردند. پیش از این نیز تجمع مشابهی در محل مجتمع تفریحی فوق از سوی کارگران برپا شده بود.

چین و روسیه و هند با آمریکا بهره بگیرد، فضایی برای خود ایجاد نماید و امتیازات بیشتری به دست آورد، در عین حال در داخل ایران تبلیغات گسترده ای جهت توجیه اذهان عمومی سازمان داده است. باندهایی از حکومت حتی عوامفریبی را به آن جا رسانده اند که درگیری با ژانز بین المللی را با تلاش دکتر مصدق برای ملی کردن نفت مقایسه می کنند و از توده های مردم می خواهند که پشتیبان حکومت اسلامی باشند.

تصویب قطعنامه شورای حکام ژانز آنرزی اتمی، که با چرخش موضع چین، روسیه و هند عملی شد، جمهوری اسلامی را در سطح بین المللی در موضع دشواری قرار می دهد. اگر قطعنامه را رد کنند و به فرارها و تعهداتش در قبال ژانز پشت پا بزنند، نتیجه آن، تشدید تنش در روابط بین المللی جمهوری اسلامی، تشدید بحران های داخلی آن و از جمله اختلافات درونی

تجمع کارگران کوره پزخانه

جمعی از کارگران کوره پزخانه های پاکدشت در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق و کسر یک سوم حقوق شان از سوی کارفرما و هم چنین عدم پرداخت عیدی، پاداش، بن کارگری، سنوات کارگری، حق اولاد، حق مسکن و مرخصی، روز پنجشنبه ۲۴ شهریور در "خانه کارگر" حکومت اسلامی تجمع کردند. در حالی که فصل کار کوره پزخانه ها به پایان رسیده است، بسیاری از کارگران هنوز حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند.

بیکار سازی

ماه گذشته ۴۰ کارگر قراردادی کارخانه "حوله لاله" از کار اخراج شدند. در حال حاضر این کارخانه ۴۱ کارگر رسمی دارد که به علت نبود برق آنان نیز بیکار هستند. این کارخانه متعلق به "بنیاد مستضعفان و جانبازان" است.

از ابتدای سال ۴ تاکنون ۱۰ کارخانه در شهر قزوین تعطیل شده و بیش از هزار کارگر بیکار شده اند. شرکت های "ایران شیندلر"، "قدس پلاستیک"، "سرامین آریاوا"، "شکوه کام" و "سینا" از این جمله اند.

تجمع اعتراضی کارگران "ایران الکتریک"

کارگران شرکت "ایران الکتریک" رشت روزهای شنبه و یکشنبه ۲۶ و ۲۷ شهریور در اعتراض به عدم دریافت حقوق معوقه و نامعلوم بودن وضعیت شغلی خود در برابر ساختمان شهرداری رشت و شورای شهر تجمع کردند. این کارخانه که در یکی از بهترین مناطق شهر رشت واقع شده و ارزش تقریبی زمین آن حداقل به ۶۰ میلیارد تومان می رسد، چندی پیش به "قبه" معاون سابق کرباسچی در شهرداری تهران و چند تن دیگر به قیمت یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان، آن هم به اقساط فروخته شده است و کارفرمای جدید با هدف فروش زمین های کارخانه دست به تعطیلی کارخانه زد.

کارگران "ایران الکتریک" در حال حاضر در وضعیت نامعلوم شغلی بوده و جهت تسویه حساب خواستار ۵ / ۳ ماه سنوات خدمت هستند و کارفرما پرداخت سنوات خدمت را نیز منوط به

در صفحه ۳

هیئت حاکمه خواهد بود. اما چنان چه بخواهد به نحوی از انحاء عقب نشینی کند و از طریق مذاکره و چانه زنی امتیازاتی به دست آورد و در نقطه ای با اروپا و آمریکا به سازش برسد، با معضلات دیگری از جمله اختلافات درونی روبرو خواهد شد.

بنابر این گرچه جمهوری اسلامی تلاش کرده و می کند که از این بحران به نفع خود استفاده کند و اذهان توده های مردم را از مسائل و معضلات بی شمار داخلی منحرف نماید و آنها را تحت الشعاع مناقشه خود با آمریکا و اروپا قرار دهد، معهذاً ادامه بحران، این تاکتیک رژیم را بی ثمر خواهد ساخت.

در هر حال جمهوری اسلامی عاجلتا بر سر مسئله هسته ای با یک معضل جدی روبرو شده است که به دشواری می تواند راه خلاصی از آن پیدا نماید.

فروش بخشی از زمین های کارخانه کرده است.

اعتراض کارگران فرش "البرز"

۱۷۰ کارگر شرکت "فرش البرز" بابلسر در اعتراض به تعطیلی کارخانه در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. این کارگران خواستار بازگشت به سر کار خود هستند. کارگران فوق هم چنین ۶ ماه حقوق و مزایا دریافت نکرده اند. کارفرمای جدید با هدف عدم پرداخت حق بیمه، حق بازنشستگی و دیگر مزایا دست به تعطیلی کارخانه و اخراج کارگران زده است. شرکت "فرش البرز" پیش از انحلال در دی ماه سال گذشته ۴۰۰ کارگر داشت که تعدادی از آن ها، علی رغم میل خود، تصفیه حساب کرده اند. در این میان دادستان بابلسر تهدید کرد که کسانی را که به قول او کارگران را تحریک به اعتراض می کنند، دستگیر خواهد کرد.

اعتصاب کارگران "فرنج"

کارگران کارخانه "فرنج" قزوین به علت عدم دریافت حقوق و مزایای معوقه خود، از روز شنبه ۱۹ شهریور دست به اعتصاب زدند. پس از گذشت یک هفته از اعتصاب، کارفرما هم چنان به اعتصاب بی توجهی نشان می دهد.

اعتراض کارگران کنترل کیفیت "ایران خودرو"

در پی انحلال بخش کنترل کیفیت در کارخانه ایران خودرو، ۲۰۰۰ کارگر این واحد که همگی از کارگران ماهر و با سابقه هستند، به وضعیت خود اعتراض داشته و در بلاتکلیفی بسر می برند. کنترل کیفیت در کارخانه ایران خودرو، با هدف پایین آوردن هزینه ها و به تقلید از برخی کشورها، در حالی منحل می شود که ضرورت کنترل کیفیت محصولات ایران خودرو بر همگان آشکار است.

تجمع کارگران "بارش"

کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی "بارش" اصفهان روز دو شنبه ۲۸ شهریور در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه حقوق و سایر مطالبات خود، عدم برخورداری از بیمه تامین اجتماعی و بلاتکلیفی سهام کارخانه در مقابل هتل "کوثر" که محل رفت و آمد مدیران شرکت فوق است، دست به تجمع زدند. پیش از این نیز روز شنبه ۱۹ شهریور کارگران فوق دست به اقدام مشابهی در مقابل هتل "کوثر" زده بودند.

در پی اعلام طرح به اصطلاح بازسازی صنایع، کارفرمای این کارخانه که ۱۳۰۰ کارگر داشت، دست به تعدیل نیرو زده و اکنون تنها ۱۶۰ کارگر در کارخانه مشغول به کار هستند. این کارخانه و هم چنین هتل کوثر متعلق به "بنیاد مستضعفان و جانبازان" هستند.

اعتراض کارگران "فرنسازی خاور"

در پی تصمیم کارفرمای شرکت "فرنسازی خاور" جهت واگذاری خط تولید فنر تخت با ۱۵۰ کارگر به پیمانکار، کارگران این واحد روز چهارشنبه ۳۰ شهریور دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران معترض دلیل اعتراض خود را هدف پیمانکار در جهت تضییع حقوق کارگران، کاهش پرسنل و عدم تمدید قرارداد با

اینجا بهشت سرمایه داران است، اینجا جهنم کارگران است، اینجا دویی است

از صفحه ۱

در ماه رسیده است. در زندان - خوابگاه های کارگری خبری از حداقل امکانات بهداشتی نیست، در یکی از زندان - خوابگاه های مختص کارگران چینی تنها چند دوش برای ۵۵۰ نفر وجود دارد. آشپزخانه های عمومی زندان - خوابگاه ها نظافت نمی شوند و جولانگاه انواع جوندگان و حشرات هستند. اخیراً آب آشامیدنی همین زندان - خوابگاه ها هم قطع شده است و کارگران با آب شور روزگار می گذرانند. از سوی دیگر برده داران نوین - سرمایه داران اماراتی، کویتی، اردنی، اروپایی و آمریکایی مستقر در امارات متحده عربی، وقاحت و بی شرمی را به حدی رسانده اند که همان دستمزد بخور و نمیر را نیز به کارگران پرداخت نمی کنند، دستمزدی که نصفش صرف خرید نان، برنج، چای و شکر - قوت لایموت - کارگران می شود و نیم دیگرش می بایستی به خانواده هایشان در هندوستان، پاکستان، بنگلادش، نیال و فیلیپین ارسال گردد.

یکی از شرکت های ساختمانی به نام «شرکت توسعه الحامد» که از سرمایه گذاران «نخل» است و لاقفل ۱۵۰۰۰ کارگر آسیایی را به بیگاری می کشد از ۴ ماه پیش دستمزد ۷۰۰۰ نفر را نپرداخته است. برای نخستین بار ۱۰۰۰ تن از کارگران هندی، پاکستانی و نیپالی این شرکت روز ۲۸ شهریور در یک حرکت امیدبخش و غرورآفرین متحدانه دست به اعتراض زدند. آنان ساعت ۳۰ / ۷ بامداد در محل کار خود واقع در «نخل» حاضر شدند و سپس دست از کار کشیدند و به سوی جاده اصلی دویی که شیخ زاید نام دارد راهپیمایی کرده و آن را از هر دو سو مسدود نمودند. اعتصاب و تجمع کارگران فقط دو ساعت طول کشید، زیرا دولت مدافع سرمایه داران نیروهای پلیس را فوراً گسیل نمود تا کارگران را پراکنده کنند.

هر چند فقط ۱۰۰۰ کارگر در اعتراضات ۲۸ شهریور شرکت کردند، اما حرکتشان دارای اهمیت بسیاری است، زیرا همین اعتراض موجب ترس و وحشتی چنان عظیم در دستگاه حاکمه امارات متحده عربی و سرمایه داران شد که آنان را مجبور کرد تا قول پرداخت فوری دستمزدها را بدهند. در امارات متحده عربی نه فقط احزاب سیاسی وجود ندارند و ممنوع هستند بلکه هر گونه تشکل صنفی کارگری هم غدغن است. کارگرانی که حرکت شکوهمند ۲۸ شهریور را سازمان دادند یا در آن شرکت کردند نشان دادند که دیگر از سرکوب و دستگیری و اخراج هراسی ندارند، زیرا بر طبق قوانین امارات متحده عربی هر گونه تظاهرات و اعتصاب «مخل نظم عمومی» است و خارجیانی که دست به چنین اعتراضاتی می زنند باید فوراً از کشور اخراج گردند.

بد نیست با ذکر چند مثال عمق فجایعی را که طبقه سرمایه دار در امارات متحده عربی و به ویژه در دویی به کارگران تحمیل می کند به تصویر کشید. از کارگران زن شروع کنیم، زیرا در این جا هم مانند هر کشور کاپیتالیستی زنان نه فقط برای کار برابر با مردان دستمزدهای کمتری

فروشگاه لوکس باشد. امارات متحده عربی همواره از سوی نهادهای سرمایه داری جهانی و رسانه هایش به عنوان یک «جزیره ی صلح در قلب منطقه ای بی ثبات» معرفی می شوند. یک شت میلیونر و میلیاردر اروپایی، آمریکایی و عرب برای تصاحب آپارتمان ها و ویلاهای «نخل» سر و دست می شکنند و هنوز کار ساختمان آن ها به پایان نرسیده، سوداگری سر به فلک کشیده و آپارتمان ها، ویلاها، هتل ها و فروشگاه ها از این دست به آن دست می شوند. آرامش «جزیره ی صلح» روز ۲۸ شهریور گذشته برای نخستین بار بر هم خورد و «نخل نشینان» آینده و سرمایه داران را به شدت نگران کرد. چرا و چگونه؟

نیمی از جمعیت ۴ میلیونی امارات متحده عربی را کارگران مهاجر تشکیل می دهند که بیش تر هندی، پاکستانی، بنگلادشی، نیپالی و فیلیپینی هستند. این کارگران که با فقر و فاقه ی خارج از تصویری در کشورهای خود مواجه هستند جهت تهیه تکه نانی برای اعضای خانواده شان با هزار وعده و وعید دروغین آژانس های کاریابی به امارات متحده عربی کشانده می شوند، آنان می آیند تا با دست هایشان سبازنده ی بهشتی برای گردن کلفت ها و مفت خوران - سرمایه داران - باشند، اما اینان کارگران را تبدیل به بردگان تمام عیاری کرده اند که قلم از توصیفش در مانده است. قراردادهای کار در کشورهای مبدأ به امضای کارگران رسانده می شوند، اما همین که آنان به امارات متحده عربی می رسند، آن قراردادهای اعتبار می گردند و در کشوری که قانون کار وجود ندارد به کارگران نصف دستمزد موعود پرداخت می گردد. صاحبان شرکت های مستقر در امارات متحده عربی گذرنامه های کارگران را در بدو ورودشان ضبط می کنند. کارگران مهاجر در امارات متحده عربی خانه ندارند، آنان در خوابگاه های بزرگ زندانی اند و در اتاق های کوچک تلنبار شده اند. در اتاق ها جا به قدری کم است که کارگرانی که دیرتر از کار برمی گردند نمی توانند روی تخت های چند طبقه جایی پیدا کنند و روی زمین می خوابند. گاهی تا ۱۸ کارگر در یک اتاق کوچک جای داده می شوند که چند تخت دو طبقه در آن ها وجود دارند و بقیه باید روی زمین بخوابند. کارفرمایان و مزدورانشان کارگران را تا ۱۳ ساعت در روز در گرمای ۵۰ درجه سانتیگراد و بالاتر به کار وامی دارند. روزنامه «گلف دیلی نیوز» ۲۹ شهریور از قول یک کارگر نوشت که دستمزد ماهیانه کارگران ۶۰۰ درهم اماراتی برابر با ۱۳۵ یورو است. البته سرمایه داران برای تفرقه افکنی ترفند دیگری را به کار می گیرند و بر حسب ملیت کارگران حقوق برابر برای کار مساوی پرداخت نمی کنند. بدین ترتیب کارگر نیپالی کمتر از کارگر پاکستانی و کارگر پاکستانی کمتر از هندی دستمزد دریافت می کند. اخیراً سرمایه داران زندان - خوابگاه های جدیدی را برای کارگران اعزامی از چین در نظر گرفته اند و به کارگران چینی دستمزد باز هم کم تری نسبت به کارگران نیپالی می پردازند. در نتیجه دستمزد کارگران چینی به زیر ۱۰۰ یورو

اخبار کارگری جهان

از صفحه ۳

اخباری از ایران

این موضوع، دست به اخراج کارگران قراردادی با سابقه ۸ تا ۱۰ سال کار زده است. در ماه قبل کارفرما بدین ترتیب ۵۰ کارگر قراردادی را اخراج کرد.

در بخش های خدماتی و یا کارگاه ها و کارخانه های کوچک و یا دورافتاده، وضع از این نیز بدتر است. شهرداری تهران، این پایتخت حکومت اسلامی و ام القرای اسلام، به نماد برجسته ی استثمار وحشیانه ی کارگران تبدیل شده است. ساعات کار طولانی در برابر حداقل دستمزد و بسیار پایین تر از قانون کار مصوب خودشان و فقدان هر گونه مزایای شغلی از این جمله است. برای مثال کارگران به کار گمارده شده از سوی شرکت پیمانکاری طرف قرارداد با شهرداری منطقه هفت ناحیه دو شهر داری تهران فاقد مزایای شغلی بوده و برخی ۱۶ ساعت در روز کار می کنند و این در حالی است که دو ماه حقوق خود را از پیمانکار طلبکارند. وضعیت اسفناک کارگران در شهرداری تهران، بارها در نشریه کار منعکس شده است.

کارفرمایان با استفاده از بیکاری کارگران و عدم تشکل شان و با استفاده از انواع گوناگون قراردادهایی که حکومت اسلامی سرمایه داران و زانو صفتان آن ها را رواج داده، از جمله قراردادهای موقت و بدتر از آن پیمانی به استثمار بیرحمانه ی کارگران می پردازند.

سرمایه داران به همراه حکومت تا ندان مسلح شان با ممنوع کردن تشکل های کارگری و علم کردن مترسکی به نام "خانه کارگر" که در واقع آن هم برای خالی نبودن عریضه است، دست به ایجاد انواع شرکت های پیمانی و غیره زده تا بدینوسیله ضمن ترساندن کارگران از بیکار شدن و بی ثباتی شغلی کارگران، قدرت اعتراضی و تشکل یابی شان را کاهش دهند.

در چنین وضعیتی است که کارفرمایان با سوء استفاده از مجموعه شرایط کنونی، در جهت تغییر آرایش و وضعیت کارگران در سطح کارخانجات و غیره برآمده اند. در چنین شرایطی کارگران نه تنها قدرت چانه زنی و زورآزمایی خود را از دست می دهند بل که کارفرما با یورش به منافع کارگران، آن ها را از حداقل های کنونی نیز بی بهره می کند.

سرمایه داران می دانند که کارگران در صورت تشکل یابی، قدرت مبارزه خود را افزایش داده و اجازه نخواهند داد که این گونه مورد تهاجم سرمایه قرار گیرند، و از این روست که تشکل کارگری خطر قمرز حکومت اسلامی است. کارگران، چه آنان که بر سر کار هستند و چه کارگران بیکار، در صورت ایجاد تشکل های مستقل خود می توانند به نیرویی تبدیل شوند که نه تنها قدرت مقابله با تهاجم سرمایه داران را خواهند یافت بل که می توانند در راستای کسب حقوق حقه خود، مبارزات خویش را سازماندهی کرده و به پیش هدایت کنند.

ضد کارگری هستند. با این اعتصاب، ۷ کارخانه این شرکت در انگلستان، اسکاتلند و ویلز تعطیل شد. اعتصابیون اعلام کردند که تلاش کارفرما برای کاهش هزینه های تولید، در راستای آماده سازی شرایط فروش این کارخانجات انجام می گیرد. کارگران می دانند که فروش این کارخانجات اخراج آنان را به دنبال خواهد داشت و به همین دلیل مصممند تا توقف این اقدامات سرمایه داران، به مبارزه ادامه دهند.

نیروهای باسابقه اعلام کردند. در پی اعتراض کارگران، کارفرما مجبور به لغو قرارداد با پیمانکار شد.

اعتراض کارگران معدن "آب دشت"

۵۰۰ کارگر کارگاه "آب دشت" شرکت معادن کرومیت اسفندقه شهرستان بافت، روز دوشنبه ۴ مهر در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و مزایای خود از سوی کارفرما، در مقابل استانداری کرمان تجمع کردند. این کارگران هم چنین به قطع پاداش غیر نقدی از سال ۷۷ و عدم پرداخت عیدی و پاداش از سال ۸۳ اعتراض دارند.

عدم پرداخت سنوات بیمه کارگران

در اثر عدم پرداخت حق بیمه کارگران توسط کارفرما و عدم توجه مقامات دولتی، بیش از ۳۰ درصد کارگران استان قزوین با مشکل سنوات بیمه ای مواجه هستند.

مشکل سنوات بیمه ای امروز یکی از مشکلات کارگران سراسر ایران است و کارفرمایان که از قبل دست رنج کارگران، سود سرشاری به دست می آورند، با عدم پرداخت حق بیمه کارگران، آن ها را در زمان بازنشستگی با مشکلات عدیده ای مواجه می سازند. گاهی کارگران مجبورند ماه ها بدون هیچ گونه حقوقی چه از سوی سازمان تأمین اجتماعی و چه از سوی کارفرما از این اداره به آن اداره رفته تا به حق و حقوق خود دست یابند. و چه بسا کارگرانی که زندگی شان به خاطر این مشکل به بحران های عمیقی فرو می رود. هنوز خود سوزی قلی زاده کارگر بازنشسته معدن "قلعه زری" بیرجند که با همین مشکل و بحران دست و پنجه نرم می کرد از یادمان نرفته است؛ کارگری که بعد از سال ها کار در اعماق معدن، تن بیمار خود را به شعله های آتش سپرد.

کارفرمایان با عدم پرداخت حق بیمه کارگران به تنها چیزی که فکر می کنند، کسب سود از پولی است که باید بابت حق و حقوق کارگران پرداخت شود و به تنها چیزی که فکر نمی کنند، مشکلات کارگرانی است که از این رهگذر به جای آرامش و استراحت به بحران های عمیق می افتند.

سوء استفاده کارفرمایان از عدم تشکل کارگران
کارفرمای کارخانه یخچال سازی "فیلور" با بازنشسته شدن کارگران، ۲۰۰ کارگر پیمانی را به کار گرفته است. کارگران پیمانی که از طرف شرکت پیمانکار طرف قرارداد با "فیلور" به کار گمارده شده اند، بدون فیش حقوقی و در بدترین شرایط، بدون اضافه کار و مزایا به کار واداشته شده اند.

کارفرمای "فیلور" هم چنین با سوء استفاده از

نتیجه ای که مورد قبول کارگران باشد، ادامه خواهد یافت.

اعتصاب کارگران در بریتانیا

روز ۱۸ سپتامبر صد ها کارگر کارخانه مواد غذایی Grampian در سراسر بریتانیا دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. این کارگران به طرح مدیریت مبنی بر حذف کامل بازنشستگی اعتراض کرده و خواهان توقف کامل این طرح

همبستگی با کارگران اعتصابی

روز ۱۵ سپتامبر هزاران کارگر معدن و فلز کار مکزیکی تبار در شهر مرزی Hayden در ایالت آریزونا دست به یک اعتصاب چند ساعته زدند. این اعتصاب در همبستگی با بیش از ۱۵۰۰ کارگر معدن و فلزکار شرکت Asarco در شهر Monterrey انجام گرفت. اعتصابیون این شرکت نزدیک به سه ماه است در اعتصاب به سر می برند. این اعتصاب در اعتراض به خودسری ها و سیاست های ضد کارگری مدیریت این کارخانه بر پا شده است. اعتصابیون شهر Hayden در پیام همبستگی خود از اعتصابیون معدن Monterrey خواستند تا پیروزی کامل به مبارزات خود ادامه دهند.

اعتصاب کارگران در مالی

روز ۲۰ سپتامبر دهها هزار کارگر در کشور آفریقایی مالی در پاسخ به فراخوان شورای سراسری کارگران این کشور دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. این اعتصاب، تمام امور شهری را در چند شهر، از جمله بوماکو پایتخت این کشور، به تعطیل کامل کشاند. مدارس، اتوبوس های حمل و نقل مسافران، قطارهای باری و مسافری و دهها موسسه تولیدی و صنعتی به طور کامل تعطیل شد. با این اعتصاب کارگران به وضعیت دشوار شرایط کار و زندگی خود و افزایش سرسام آور هزینه های زندگی اعتراض کرده و خواهان بهبود شرایط کار، کاهش قیمت کالاهای اساسی، آب، برق و افزایش دستمزدها شدند.

اعتصاب ملوانان در ایرلند

روز ۱۰ سپتامبر بیش از ۱۵۰ کارگر دو کشتی مسافری متعلق به شرکت Siptu دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. این حرکت در اعتراض به تصمیم صاحبان این شرکت مبنی بر اخراج کارگران و به کار گیری کارگران موقت و خارجی تبار انجام گرفت. ملوانان زحمتکش این شرکت مستقیماً مورد تهدید قرار گرفته و به آنان هشدار داده شده که در صورت رد پیشنهاد مدیریت مبنی بر ترک اجباری کار خود، بدون پرداخت غرامت از کار اخراج می شوند. برغم تهدید آشکار کارفرما ملوانان راه مبارزه و رودروئی مستقیم را کارفرما را انتخاب کرده و از اتحادیه بین المللی کارگران بنادر و کشتی خواستند که در این مبارزه به یاری آنها بیاید.

اعتصاب کارگران در فرانسه

روز ۱۶ سپتامبر نزدیک به ۲۵۰۰ نفر از کارگران و کارکنان شرکت الکترونیکی Hewlett-Packard واقع در ۵ شهر فرانسه دست به یک اعتصاب یکروزه زدند. این حرکت در اعتراض به تصمیم مدیریت این شرکت مبنی بر کاهش تعداد کارگران انجام گرفت. بر اساس خبرهای رسیده به کارگران، این شرکت در نظر دارد که بیش از ۱۲۰۰ کارگر را تا دو ماه آینده اخراج کند. این اعتصاب به دعوت چند اتحادیه کارگری انجام گرفت. در اطلاعیه مطبوعاتی اعتصابیون از جمله گفته شده که اعتصابات رشته ای کارگران و کارکنان، تا رسیدن به

وزیر کار احمدی نژاد و قانون کار

نتیجه گیری

بر مبنای سخنانی که تاکنون وزیر کار احمدی نژاد پیرامون سیاست های خود عنوان نموده است، این سیاست ها اساسا معطوف به تشدید بیشتر فشارهای سیاسی و اقتصادی بردوش کارگران است. اگر دولت پیشین به بهانه "خوداشتغالی" صد همامیلیارد تومان را حیف و میل کرد و اشتغالی ایجاد نشد این بار نیز در نهایت تحت عناوین مشابهی میلیاردها تومان دیگر از جیب کارگران و زحمتکشان هزینه خواهد شد. دفتر دستک های دیگری مثل "دفتر توسعه و پایداری اشتغال"، ایجاد خواهد شد و با گذاری تسهیلات و دادن اختیارات باز هم بیشتری به سرمایه داران در زمینه برخورد به مسائل و مناسبات کارگر و کارفرما، در عمل وضعیت در زمینه ایجاد کار و اشتغال نه تنها کمترین بهبودی نخواهد یافت، بلکه اوضاع از این هم وخیم تر خواهد شد. تعرضات پیشین طبقه حاکم در عرصه حقوق سیاسی و اقتصادی کارگران ادامه خواهد یافت. دولت جدید و وزیر کار آن از این خصوصیت و ماهیت برخوردارند که باگستخای بیشتری به تلاش برای محروم سازی کارگران از حداقل های حقوقی و قانونی شان روی آورند و در عین حال کارفرمایان و سرمایه داران را از رعایت پاره ای قید و بندهای هنوز باقی مانده در عرصه مناسبات کار، نجات دهند. طبقه سرمایه دار که زیر فشار مبارزه طبقه کارگر، پس از چند سال کشمکش، ۱۶ سال پیش قانون کار را پذیرفت، گرچه امروز از آن قانون کار در عمل چیزی باقی نمانده است، اما این طبقه در صدد آن است که خود را از تمام قیدوبندهای آن رها سازد، مناسبات حقوقی ارتجاعی تر، ستمگرانه تر و سخت گیرانه تری را بر کارگران تحمیل کند و با رسمیت بخشیدن به بی حقوقی کامل و مطلق کارگران، استثمار خشن تر و وحشیانه تری را سازمان دهد.

تجربه بیش از یک ربع قرن حاکمیت جمهوری اسلامی این واقعیت را به اثبات می رساند که با تداوم حیات این رژیم، نه تنها هیچ گونه بهبود جدی در وضعیت کارگران حاصل نشده است، بلکه اوضاع از جمیع جهات بدتر شده است. وضعیت کار و اشتغال مدام وخیم تر شده است. بر صفوف میلیونی بیکاران هر ساله افزوده شده است. اخراج ها، بیکارسازی ها، فقر، بی آیندگی، گرسنگی و محرومیت های اجتماعی، دائما افزایش یافته است. طبقه سرمایه دار و دولت حامی آن یک لحظه از یورش به حقوق و معیشت کارگران باز نایستاده است. این یورش ها که بلاوقته ادامه داشته با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد و وزیر کار آن نیز منبوحانه پی گیری می شود.

کارگران ایران بدون شک در برابر این تلاش ها و یورش ها خواهند ایستاد. کارگران به تجربه دریافته اند که هر عقب نشینی آنها، سرمایه داران را جری تر کرده و یورش دیگری را سازمان می دهند. راه دیگری جز ایستادن در برابر این فشارها و تشدید مبارزه وجود ندارد.

برای رهائی از فقر و بیکاری و پایان دادن به تمامی مشقات و محرومیت ها و برای متوقف ساختن این تعرضات، قبل از هر چیز باید رژیم جمهوری اسلامی را که در ارتجاع و ستمگری و پاسداری از منافع استثمارگران و مرتجعین، گوی سبقت را از اکثر رژیم های ارتجاعی و سرمایه داری بوده است، از سر راه برداشت. (پایان)

که در آن مقطع نیز عضو شورای نگهبان بود، با قانون کاری که هفت سال در مجلس ارتجاع مورد بحث و اختلاف نظر بود و سرانجام در سال ۶۷ به تصویب مجلس رسید، شدیداً به مخالفت برخاست و با وارد دانستن ۶۵ اشکال شرعی و قانونی آن را رد کرد. معهدا فضای اعتراضی در میان کارگران و روحیه مخالفت با شورای نگهبان به قدری بالا بود که، تصمیم گیری در این مورد به مجمع تشخیص مصلحت واگذار شد و در سال ۶۸ از تصویب این مجمع گذشت. نه جمهوری اسلامی و نه شورای نگهبان آن خواستار چنین قانون کاری نبودند اما طبقه کارگر به نیروی مبارزه خود رژیم پاسدار منافع سرمایه داران و شورای نگهبانش را عقب راند و قانون کار را به آنهاقبولاند و این برای کارگران یک دستاورد بود. قانون کار مصوب اگر چه با لایحه فوق ارتجاعی قانون کار توکلی قابل قیاس نبود اما در عین حال سطح انتظارات کارگران را نیز برآورده نمی ساخت. قانون کار و مفاد آن نه فقط با خواست ها و آمال کارگران بسیار فاصله داشت، بلکه در آن حتماً حقوق اولیه کارگران مثل حق اعتصاب و ایجاد تشکل های مستقل کارگری نیز به رسمیت شناخته نشده بود. در یک کلام قانون کار در کلیت خود یک قانون ارتجاعی، معطوف به سلطه استثمارگران و مرتجعین و یک قانون ضد کارگریست.

معهدا از آنجا که سرمایه داران و کارفرمایان همواره در صدد گرفتن امتیازات بیشتر و کسب سود بیشتری هستند و در زمینه پایمال کردن حقوق سیاسی و اقتصادی کارگران حد و مرز نمی شناسند، در تمام طول این ۱۶ سال که از تصویب قانون کار می گذرد، کشاکش بر سر قانون کار ادامه داشته و سرمایه داران حتماً یک لحظه از فکر تلاش برای جبران عقب نشینی خود، تعرض به حقوق کارگران و تحمیل مناسبات خشن تر و استثمار شدیدتر بر کارگران باز نایستاده اند.

تعرض به حقوق کارگران از طریق دست کاری و تغییر قانون کار در حالی دارد توسط وزیر کار و دولت جدید با جدیت پی گیری می شود، که تصمیمات و مصوبات مجلس و نهادهای حکومتی، طی چند سال گذشته اکثریت عظیم کارگران را از شمول قانون کار خارج ساخته است. با مصوبه مجلس در سال ۷۸، کارگران کارگاه های ۵ نفره از شمول قانون کار معاف شدند. به فاصله کوتاهی پس از آن، تمام کارگران کارگاه های قالی بافی نیز از شمول این قانون معاف شدند. اندکی بعد با اجرای ماده ۱۹۱ قانون کار، کارگران کارگاه های ده نفره نیز از شمول دهها ماده و تبصره قانون کار معاف شدند و در حال حاضر قانون کار مشمول تنها در صد بسیار ناچیزی از کل کارگران می شود. با این همه سرمایه داران، شمول قانون کار در همین حدود محدود را هم بر نمی تابند. نمی خواهند هیچ گونه هزینه ای را تقبل کنند و تابع قانونی باشند. این است که عجلالتا با بهره ی وزیر کار جدید و دبیر شورای نگهبان آن وارد صحنه شده اند. سرمایه داران و دولت حامی آنها اکنون در صدد آنند تا دستاورد طبقه کارگر را تا آخرین قطره ی آن بازستانند.

است که مشکلات آن نیز کم نیست! در این جا بی مناسبت نیست به این موضوع نیز اشاره شود که آقای محمد جهرمی وزیر کار احمدی نژاد که از اعضای مؤسس جهاد و سپاه در گیلان و مازندران بوده است، در ادامه خدمات خود به رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به سرعت مدارج "ترقی" را پیموده و پست های مختلفی از فرمانداری و استانداری فلان شهر و استان را نیز به دست آورده است. آقای جهرمی نهایتاً از سال ۸۲ به بعد ارتباط نزدیک و تنگاتنگی با شورای نگهبان داشته و "معاونت اجرائی و امور انتخابات شورای نگهبان" را نیز بر عهده داشته است. بیهوده نیست که دبیر شورای نگهبان در مراسم "معارفه" جهرمی از "خدمات" وی در شورای نگهبان که "منشاء تحول" در این ارگان بوده است "تقدیر" و ایشان را به "اصلاح" قانون کار تشویق نمود. بنابراین روشن است که تعرض به حقوق کارگران از طریق دست کاری قانون کار و "اصلاح" آن طبق معیارهای شورای نگهبان، یکی دیگر از برنامه های ضد کارگری وزیر کار جدید است.

این درست است که دست کاری قانون کار به نفع سرمایه داران و کارفرمایان و به زیان بیشتر کارگران که همه جا تحت عنوان اصلاح قانون کار از آن یاد می شود، امروز صریحاً توسط دبیر شورای نگهبان عنوان و به یکی از برنامه های وزیر کار، دست پرورده ی همین ارگان تبدیل می شود، اما این موضوع تنها به این ها و به شرایط امروز خلاصه نمی شود. قانون کار فعلی چه در لحظه تهیه و تدوین، چه پس از تصویب آن توسط مجمع تشخیص مصلحت همواره از سوی طبقه حاکم مورد چون و چرا بوده است.

قانون کار فعلی که در سال ۶۸ به تصویب "مجمع تشخیص مصلحت نظام" رسید، محصول مبارزات کارگران، شرایط و توازن قوای معینی در آن سال هاست. قانون کار به رغم آن که در اساس بازتاب دهنده منافع سرمایه داران است و قانونی ست ارتجاعی و به رغم آن که اساسی ترین خواست های سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر در آن پامال شده است و حتماً نسبت به نرم ها و معیارهای معمول در کشورهای سرمایه داری در زمینه حقوق های پایه ای کارگران نیز عقب تر است، معهدا این واقعیتی است انکار ناپذیر که تصویب این قانون و اجرای آن بر رژیم جمهوری اسلامی تحمیل شد. جمهوری اسلامی در صدد تحمیل یک قانون کار بسیار ارتجاعی تر بر کارگران بود. لایحه قانون کاری که توکلی وزیر کار رژیم در سال ۶۱ به مجلس ارائه داد، بر مبنای فقه اسلامی تهیه و تنظیم شده و مشتمل بر دو بخش یعنی "باب اجاره" و "جعاله" بود. شورای نگهبان از حامیان اصلی این لایحه بود. اما کارگران در مقیاس وسیع و سراسری در برابر لایحه توکلی و دست پخت مرتجعین ایستادند. طبقه کارگر با مبارزات وسیع و گسترده خود، طبقه حاکم را عقب راند. جمهوری اسلامی قادر نشد لایحه فوق ارتجاعی قانون کار توکلی را به کارگران حقه کند و از پیاده کردن تمام و کمال نیات و مبنای فقهی در زمینه قانون کار بازماند. شورای نگهبان و همین آقای احمدجنتی

مرگ ۱۱ کارگر معدن و افزایش وحشتناک حوادث ناشی از کار

وکلی، مرگ و میر و بیماری های کشنده ناشی از محیط کار همراه است. تنها در مواردی که در یک روز، تعدادی از کارگران معدن جان می‌بازند، خیر آن در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های رژیم، انتشار می‌یابد و در موارد بسیار، کسی از این حوادث که گاه به مرگ کارگر منجر می‌شود، خبردار نمی‌گردد.

کارگران ساختمان نیز در زمره کارگرانی هستند که روزمره دچار سوانح و حوادث ناشی از کار می‌شوند و جان خود را از دست می‌دهند. تنها چند روز پس از مرگ کارگران معدن، ۴ تن از کارگران ساختمان در یک حادثه جان باختند. برطبق گزارشی که اخیراً انتشار یافته است، حوادث ناشی از کار در سال گذشته به ۱۸ هزار و ۴۹۶ مورد رسید که در مقایسه با سال پیش از آن ۱۳ درصد، افزایش یافته است. این آمار که از سوی سازمان تأمین اجتماعی منتشر شده است، تمام حوادث ناشی از کار را دربر نمی‌گیرد و تنها شامل آن حوادثی می‌شود که سازمان تأمین اجتماعی در آنها درگیر بوده است. در این آمار، بیشترین تعداد حوادث ناشی از کار، مربوط به کارگاههای کوچک است. معاون امور طب کار و کمیسیون‌های پزشکی سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید: در کارگاه‌های کوچک و زیر ۲۰ نفر، معاینات یا انجام نمی‌شود یا به درستی صورت نمی‌گیرد.

وی می‌گوید که در فاصله دو سال گذشته، حوادث ناشی از کار، ۱۳ درصد افزایش یافته و از ۱۶ هزار و ۳۸۳ در سال ۸۲ به ۱۸ هزار و ۴۸۶ مورد در سال ۸۳ افزایش یافته است.

اومی افزایشی که در سال ۸۳، ۷۱ مورد از حوادث ناشی از کار منجر به فوت، ۲۰۸ مورد منجر به از کار افتادگی کلی، ۲۵۵ مورد منجر به از کار افتادگی جزئی و ۱۰۴۰ مورد به نقض عضو انجامیده است. در دو سال گذشته به طور متوسط سالانه حدود ۵۰۰۰ نفر دچار از کار افتادگی کلی شده‌اند.

این که حوادث و سوانح ناشی از کار، اساساً از عدم رعایت موازین ایمنی و بهداشت محیط کار ناشی شده و نتیجه سیاست ضد انسانی سرمایه‌داران برای افزایش سود خود به بهای جان کارگران است، واقعیتی است که حتاً در این گزارش، به شکلی پوشیده به آن اشاره می‌شود. اما چرا سال به سال بر تعداد موارد سوانح ناشی از کار افزوده شده، تا اینکه در صد افزایش آن برطبق آمار فوق‌الذکر به ۱۳ درصد رسیده است. در واقع این افزایش، یکی دیگر از نتایج سیاست نتولیرالیسم اقتصادی جمهوری اسلامی است. واگذاری مؤسسات تولیدی و خدماتی به بخش خصوصی و باز گذاشتن کامل دست سرمایه‌داران در استثمار کارگران، پامال کردن ابتدائی‌ترین حقوق کارگران و سرکوب اعتراض کارگران به این شرایط غیرانسانی، یکی از علل این افزایش گسترده موارد مربوط به حوادث و سوانح ناشی از کار است.

یکی دیگر از علل آن، محروم کردن میلیون‌ها کارگر از شمول همان حداقل حق و حقوق قانونی و موظف بودن کارفرما به رعایت این حقوق و

خلاصه ای از اطلاعاتی ها و بیانیه های سازمان

در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۸۴ سازمان ما اطلاعاتی ای تحت عنوان "تجمع اعتراضی کارگران لاستیک سازی البرز" انتشار داد. در این اطلاعاتی از اقدام اعتراضی کارگران این کارخانه، نسبت به نابسامانی وضعیت تولید و ابهام در شرایط اشتغال خود، حمایت شده است.

اطلاعاتی می‌افزاید، بیم کارگران از وضعیت کنونی کارخانه این است که به تعطیلی کامل کشانده شود و کارگران بیکار گردند.

در این اطلاعاتی همچنین آمده است که اعتراضات کارگران ایران الکتریک نیز همچنان ادامه دارد و بار دیگر، آنها در مقابل شهرداری دست به تجمع اعتراضی برای تحقق مطالبات خود زدند.

"اجتماع اعتراضی ۱۶۰۰ کارگر شرکت "مه‌نخ" و "سرنخ" قزوین، عنوان اطلاعاتی دیگری است که در تاریخ ۲ مهر ۱۳۸۴ انتشار یافت.

در این اطلاعاتی آمده است که ۱۶۰۰ کارگر شرکت "مه‌نخ" و "سرنخ" با تجمع در داخل و بیرون کارخانه نسبت به عملکرد مدیریت، پرداخت نشدن سنوات و حقوق‌های معوقه خود اعتراض نمودند. این اقدام اعتراضی هنگامی آغاز شد که ۳۰۰ تن از کارگران بازنشسته، در اعتراض به اجرا نشدن وعده سنوات کارگران بازنشسته در مقابل کارخانه تجمع کردند.

کارگران درون کارخانه نیز که تعدادشان به ۱۳۰۰ نفر می‌رسد به حمایت از کارگران بازنشسته و تحقق مطالبات خود دست از کار کشیدند و یک اجتماع اعتراضی برپا کردند.

پس از این اقدام اعتراضی، مدیران شرکت، متعهد شدند، ظرف چند روز آینده، سنوات کارگران بازنشسته را بپردازند.

در پایان اطلاعاتی سازمان، گفته شده است، کارگران با اتحاد و همبستگی خود نشان دادند که قادرند کارفرمایان و مدیران را به عقب نشینی وادارند.

در سوم مهرماه، سازمان ما، اطلاعاتی ای تحت عنوان "اجتماعات اعتراضی کارگران "پوشینه بافت" و "ایران پاپیروس" انتشار داد.

این اطلاعاتی می‌گوید: متجاوز از ۷۲۰ تن از کارگران "پوشینه بافت" در اعتراض به عملکرد مدیریت این شرکت و برای دریافت حقوق و مزایای عقب افتاده خود در برابر استانداری قزوین دست به تجمع زدند. پنج ماه است که حقوق کارگران این شرکت پرداخت نشده و کارگران بازنشسته نیز در بلاتکلیفی به سر می‌برند.

در این اطلاعاتی همچنین به اعتراض دهها تن از کارگران "ایران پاپیروس"، در شهرستان ساوه اشاره شده که در تجمع خود، نسبت به تعطیل کارخانه اعتراض نموده و خواهان بازگشت به کار شدند.

اطلاعاتی، در پایان سیاست‌های ضدکارگری دولت و سرمایه‌داران را محکوم و از مطالبات کارگران حمایت کرده است.

کمک های مالی

کاناتا	نفیسه ناصری	۱۰ دلار
	ستاره	۲۰ دلار
	لاکومه	۵۰ دلار
	پیشمرگه فدائی	۲۰ دلار

ضوابط است.

جمهوری اسلامی با محروم کردن این میلیون‌ها کارگر از شمول قانون کار، به کارفرمایان این امکان را داده است که بدون رعایت هرگونه مقررات و ضوابط قانونی، هر طور که اراده کردند، کارگران را به کار وادارند و آنها را استثمار کنند.

روشن است که در چنین شرایطی، کارفرمایان حاضر نیستند، هزینه‌ای بابت ایمن سازی و بهداشت محیط کار داشته باشند. دولت هم که هیچگونه نظارت و کنترلی بر این کارگاه‌ها ندارد و این را سازمان تأمین اجتماعی نیز به صراحت مطرح می‌کند.

اما مسئله فقط کارگاه‌های کوچک و میلیون‌ها کارگر آنها نیست، بلکه وضعیت ایمنی و بهداشت در کارخانه‌ها و مؤسسات بزرگ نیز مدام وخیم‌تر شده است. این واقعیت را آشکارا در ایران ناسیونال هم می‌بینیم، در معادنی که صدها کارگر در آنها مشغول به کارند، می‌بینیم، در دیگر کارخانه‌ها و مؤسسات بزرگ هم وضع بر همین منوال است.

بنابراین، افزایش روزافزون حوادث ناشی از کار، نتیجه سیاست‌های اقتصادی فوق‌ارتجاعی، جمهوری اسلامی است و مسئول تمام این فجایع، از جمله مرگ کارگران معادن باب‌نیزو، سرمایه‌داران حاکم بر ایران و دولت پاسدار منافع آنهاست.

توجه

آدرس سایت سازمان در اینترنت

تغییر کرده است. لطفاً به آدرس

جدید در نشریه کار توجه کنید.

مبارزه طبقاتی ورهائی زنان (۵۶)

از صفحه ۳

اینجا بهشت ...

این گزارش، کارگری شهادت می دهد که در بنگلادش به وی گفتند که با ماهی ۲۰۰ یورو در دویی کار خواهد کرد، اما پس از رسیدن به این شهر، ماهیانه نصف این دستمزد را به وی می دهند. او که در یک اتاق ۱۲ متر مربعی با سه تخت دو طبقه با همکارانش روزگار می گذراند گفت که روزی ۱۸ درهم یا ۴ یورو دستمزد می گیرد. او عکسی از یک برج دویی را که در اتاق چسبانده نشان می دهد و می گوید: «با کار شبانه روزی ما کارگران این برج ساخته شده است، اما حالا حتا حق نداریم پای در آن بگذاریم و می گویند که شما لباس مناسب برای این کار ندارید!» کارگر دیگری گفت که وقتی حادثه ای برای یک کارگر در محل کار رخ می دهد و منجر به مرگ می گردد، جسد ۱۰ تا ۱۵ روز در محل می ماند و سرانجام خانواده اش باید مبلغ بازگرداندن آن را به هندوستان، پاکستان، بنگلادش یا فیلیپین تقبل کند. یک کارگر دیگر که در زندان - خوابگاه جبل علی دویی سکنی گزیده است می گوید که کارگران در دو شیفت و ۲۴ ساعته در دویی کار می کنند. وی می افزاید که وقتی ساعت ۴ صبح به اتاقش در جبل علی می رسد تا شام صرف کند دیگر برق نیست. در بخش دیگر این گزارش تلویزیونی یک کارگر هندی که شش ماه است دستمزد دریافت نکرده است خود را آماده ی خودکشی اعلام می کند و می گوید که کارفرمایان گذرنامه اش را برای بازگشت پس نمی دهند. خودکشی در میان کارگران ساختمانی در دویی متأسفانه به پدیده ای فراگیر تبدیل شده است و هر ۴ روز یک کارگر در اثر آن جان می دهد.

در بخشی از گزارش شبکه ی دوم تلویزیون فرانسه که شب ۳۱ شهریور پخش شد از شخصی به نام پاسکال مونی یز که مسئول شرکتی به نام DTCM برای تبلیغ پروژه های ساختمانی دویی در میان سرمایه داران است پرسیده می شود که چرا کارگران در امارات متحده ی عربی هیچ حقی ندارند و حتا اعتصاب ممنوع است؟ این فرانسوی گماشته ی سرمایه داران که در مقابل همکار اماراتی اش به نام حامد بن مجرن نشسته است رو به دوربین کرده و چنین می گوید: «این یک دلیل موفقیت در دویی است. ما در اینجا در یک بازار فوق لیبرالی هستیم. ما در اینجا تمام شرایط را برای موفقیت داریم. کسی که برای کار به دویی می آید به اداره ی تأمین اجتماعی پای نمی گذارد.» آقای مونی یز از جهاتی حقیقت را گفت! دویی بهشت سرمایه داران و جهنم کارگران است، در این شکی نیست. اما آقایان مونی یز و بن مجرن و دیگر مزدوران سرمایه داری باید مطمئن باشند که ۲۸ شهریورهای دیگری در همین کشور اسلامی و «فوق لیبرالی» در راه است. کارگران به پا خاسته اند.

می گیرند، بلکه با توجه به کار کردن در یک کشور اسلامی در معرض انواع تعرضات وحشیانه قرار دارند. بر اساس آمار غیررسمی دست کم ۳۰۰ هزار زن در امارات متحده ی عربی به کار مشغولند. کارگران زن به خدمتکاری در ویلاهای امرا و شیوخ و هتل های امارات می پردازند و گزارش های مختلفی از تجاوز جنسی برضد آنان به دست آمده است. کارگران زن مانند مردان در زندان - خوابگاه ها جای داده نمی شوند و معمولاً همان آژانس هایی که آنان را از کشورهای آسیایی به امارات می کشانند در اتاق های محقر زیربام ها مستقرشان می کنند.

روزنامه «گلف نیوز» اخیراً گزارشی از هینی، یک خدمتکار زن اندونزیایی منتشر نمود. وی در خانه ی یک امیر در ابوظبی کار می کرده است. او را مجبور می کرده اند که شب و روز حجاب اسلامی را رعایت کند. هینی به «گلف نیوز» گفته است که روزی با ضربات مشت و لگد وی را بیدار کردند و به او گفتند که روسری اش در خواب افتاده است و باید به همین دلیل اخراج گردد. هینی را دوباره به آژانسی که وی را در اختیار خانواده امیر گذاشته برگرداندند و آژانس او را به شارجه فرستاد تا در خانه ی دیگری مشغول به کار شود.

حوادث ناشی از کار به ویژه در آسمان خراش ها و پروژه ی «نخل» بیداد می کند. البته وقتی کارگری در اثر گرمای بالای ۵۰ درجه و گرمزدگی در دویی غش می کند و بر زمین می افتد، این حادثه کاری نیست! حادثه کار یعنی مرگ کارگر و هر روز - هر ۲۴ ساعت - دو کارگر در ساختمان سازی ها می میرند. روزنامه ی «خلیج تایمز» در شماره ی ۱۳ شهریور خود خبر از مرگ فجیع دو کارگر پاکستانی به نام های محمدعمران خان محمد و سلیم اختر محمدرقیق داد. آنان زنده زنده چهار روز پیش از آن زیر تلی از شن مدفون و کشته شدند. یک نهاد دولتی اماراتی مدعی شد که این کارگران که در حال حفر سوراخی بودند به علت «بی احتیاطی» جان خود را از دست دادند، اما همکاران این دو کارگر به «خلیج نیوز» گفتند که آنان در اثر نبود ابتدائی ترین امکانات ایمنی محیط کار زنده زنده مدفون شدند.

سرانجام این که سه روز پس از اعتراض ۱۰۰۰ کارگر پروژه ی «نخل» شبکه ی دوم تلویزیون فرانسه گزارشی از وضعیت کاری و زندگی کارگران در دویی پخش نمود. لحظه به لحظه ی این گزارش سی دقیقه ای اوج فاجعه را به هر آن کس که بویی از انسانیت برده باشد نشان داد. در

خشمی که در خانه تخلیه می شود؛ خشمی که نوک حمله خود را به جای دنیای بیرون، جایی که ابراز آن خطرناک است، به درون خانه متوجه می کند.»

والدین کارگر، ناموفق و ناتوان، حاکمیت اقتدار گرایانه خود را بر فرزندان شان تحمیل می کنند.

کوماروفسکی می نویسد:

«... والدین کارگر می کوشند ارزش های "سنتی" نظیر اطاعت، پاکیزگی و احترام به بزرگترها را به کودکان خود یاد دهند. اما، والدین طبقه متوسط ... از فرزندانشان می خواهند شاد باشند، اعتماد به نفس داشته باشند و خوب درس بخوانند... والدین طبقه کارگر از امنیت یا ظرفیت عاطفی برای برقراری ارتباط با دیگران حرف نمی زنند. چنین ایده هایی در قاموس آن ها جایی ندارد.»

محرومیت اقتصادی و فرهنگی، همراه با دستن سنگین پدر، رشد و شکوفائی شخصیت در کودکان را در هم می شکند.

«بلندپروازی های کودک - به ویژه پسری - که در یک خانواده مرفه متولد شده است، می تواند سر به آسمان سایه؛ رویاهای او نسبتاً حد و مرزی ندارد. او از اولین لحظه کسب آگاهی، از آینده اش و برنامه هایی که برای او ریخته شده است، مطلع است؛ نقشه هایی که فقط تخیلاتی آرزومندانه نیستند، بلکه پشتوانه تحقق دارند. همان طور که بزرگ می شود، در پیرامون خود مردهایی را می بیند که مشاغل مهمی دارند. در خانه، در مدرسه، در همسایگی، تشویق می شود تا توانایی هایش را بیازماید و به ستاره ها برسد. اکثر پسران کارگران، تجربه ای درست عکس این دارند. او در خانواده ای تولد یافته است که مسئله بقا مطرح است، که باید بی امان تلاش کند که فقط نیازهای امروزش را برآورد، که اجاره فردا را بپردازد. والدین نمی توانند به چیزی فرای این بیاندیشند. در چنین شرایطی، کودک چه رؤیایی می تواند داشته باشد؟»

وضعیت دختران چگونه است؟

«در میان زنان، معدودی به یاد می آورند که در زمان نوجوانی می خوانستند، مدل یا هنرپیشه شوند، اما خواست اکثر آن ها ازدواج و تشکیل یک کانون خانوادگی شاد بوده است... نه آن که دختران طبقه متوسط این آرزوها را ندارند، اما، آنان علاوه بر آرزوی ازدواج، خواهان پیشرفت شخصی نیز هستند... برای دختران طبقه متوسط، ازدواج در مرحله بعدی قرار دارد و به بعد از فارغ التحصیلی از کالج موکول می گردد. به علاوه، این دختران در کالج، حداقل مقداری آزادی و خودمختاری خواهند داشت که جوانان بسیار مشتاق اش هستند و نیز به فعالیت هایی می پردازند که اعتبار و احترام خانواده و همتران شان را برمی انگیزد.»

فرزندان کارگران از دوران کودکی خود، خاطره خوشی ندارند. لیلیان رابین می نویسد:

«... معدودی از افراد خانواده های کارگری می گویند، "اوه، چه خوب بود دوباره بچه می شدم"، اما این کلمات از زبان افراد مرفه به کرات شنیده می شود. تعجب آور نیست که فرزندان کارگران بسیار سریع بالغ می شوند، در حالی که سن بلوغ در میان فرزندان خانواده های طبقه متوسط مرفه - اغلب به ۲۵ سال می رسد. این تأخیر در تقبل

بازی کوچک، گردش های غیرمنتظره و نادر دسته جمعی، یک کلام تشویق آمیز مادر عاجز هر اسیده و خسته ام، گاهی چند سنت پول توجیبی و رنج شدید انتخاب راه خرج کردن آن. اما این لحظات، نادر بودند و نه وصف تار و پود زندگی من. خاطرات دوران کودکی برای من، همچون انسان هایی که ملاقات کردم، آغشته با رنج و محرومیت مادی و روانی است؛ زیرا این مشکلات، همچون شب به دنبال روز، در پی هم می آمدند.»

وظایف یک بزرگسال، تجملی است که تنها بخش مرفه جامعه از پس آن برمی آید.

آیا هیچ داستانی در باره دوران خوش کودکی وجود نداشت؟ پاسخ این است که بسیار معدود: همواره تعداد کمی خاطرات شیرین وجود دارند، برخی خانواده ها کمتر مشکل داشتند، برخی برمحبت تر بودند؛ اما دوران کودکی خوش وجود نداشته است... من خانواده محروم خودم را به یاد می آورم. با این حال، لحظات سادی نیز وجود داشت - بستنی قیفی، یک اسباب

مبارزه طبقاتی ورهائی زنان (۵۶)

کار خانگی

کار خانگی، زندگی زنان را به شدت محدود و طاقت‌فرسا می‌کند. نه به این معنا که زن کارگر مثل زن طبقه متوسط از کار خانگی بیزار است. همان طور که میرا کوماروفسکی می‌نویسد:

«برخلاف برخی از زنان خانه دار تحصیل کرده که از کار خانگی بیزارند، افراد مورد مصاحبه ما هرگز نگفتند که این کار در شأن آن‌ها نیست، که کار خانگی یک کار دستی پر زحمت و بدون ابتکار است... آن‌ها کار خانه را می‌پذیرند. در مصاحبه شونندگان به ندرت نشانه‌ای از بی‌اعتباری‌ای یافت می‌شود که زنان تحصیل کرده گاهی به نقش خود نسبت می‌دهند و در عبارت آشنای "من فقط خانه دار هستم" تجسم می‌یابد.» از آن جایی که مردان کارگر همچون زنان، تمایز سنتی بین وظایف زنانه و مردانه را می‌پذیرند، "زنان به طور معمول انتظار یاری از سوی شوهرانشان را ندارند».

«زمانی که از این زنان درباره رتبه بندی خصوصیات یک شوهر خوب سوال شد، "خواست کمک به زن در کارهای خانگی" از جمله آخرین خصوصیات خوب تلقی می‌شد؛ رتبه هجدهم در میان 21 خصوصیت خوب یک شوهر. تنها ۴ درصد از زنان "کمک در کار خانگی" را "بسیار مهم" می‌دانستند. حتی "کمک در بچه داری" فقط توسط ۱۲ درصد زنان "بسیار مهم" تلقی می‌شد.»

در برابر، «مردانی که دارای تحصیلات عالی هستند، بیش از مردانی که تحصیلات پایین‌تری دارند، به همسرانشان در خرید و بچه داری کمک می‌کنند. ۴۰ درصد مردانی که تحصیلات پایین‌تری دارند، با هیچ‌گاه در بچه داری کمک نکرده‌اند یا به ندرت این کار را کرده‌اند. این رقم، در مورد تحصیل کرده‌های مراکز عالی ۱۰ درصد است.»

به عقیده میرا کوماروفسکی، یکی از دلایلی که شوهران تحصیل کرده طبقه متوسط بیشتر به همسران شان کمک می‌کنند، چنین است:

«ازدواج‌های افراد تحصیل‌کرده از آن رو نشاط آوری و رابطه گرم‌تر است که شوهران در بچه داری کمک می‌کنند. یک شوهر خوشبخت کمتر محاسبه‌گر است.»

این واقعیت که زن طبقه کارگر در اصل، کارکرد جنسی خود در خانه داری را می‌پذیرد، به این معنا نیست که او راضی از تحمل این فشار است. در واقع زنان کارگران عموماً دلسرد و افسرده هستند. ماریا کوماروفسکی می‌نویسد:

«زن خانه دار، مشکل عمده خود را در نداشتن پول کافی برای نیازهای اولیه زندگی، برای زندگی لذت بخش‌تر، برای پرستار بچه و تفریح می‌داند. اما تفکیک شدید نقش‌های جنسی، علیرغم پذیرش زن، در او حس محدودیت و انزوا را پدید می‌آورد... مسئولیت‌هایی ناپذیر بچه داری و حس مقید بودن، در زن عدم رضایت را دامن می‌زند.»

والدین و کودکان

فقر و عدم امنیت، اکثر والدین، به خصوص

پدران، را به کناره جویی می‌کشاند. یک کارگر فولادکار ۳۱ ساله به لیلیان رابین می‌گوید:

«پدر من مرد خیلی آرامی بود، او هیچوقت حرف نمی‌زد، حتی وقتی که از او سوالی می‌کردی. مثل آدم‌های ناشنوا یک جا می‌نشست. گاهی، یک ساعت بعد (گویی کلمه‌ای از دهانش پریده) به تو نگاه می‌کرد و می‌گفت "چیزی می‌خواهی؟" بیشتر وقت‌ها نمی‌دانست که تو هم وجود داری.»

یک زن ۲۵ ساله، دختر بزرگ یک خانواده با ۲ فرزند، به یاد می‌آورد:

«به نظر می‌آمد پدر من هیچوقت حرف نمی‌زند یا عضو خانواده نیست. تنها چیزی که می‌توانم به یاد بیاورم آن است که او از کار کردن در باغچه خود لذت می‌برد. او به خانه می‌آمد، غذا می‌خورد، و به حیاط می‌رفت، تقریباً هر شب، حتی وقتی که باران می‌آمد. در اوقات دیگر، ساعت‌ها ساکت می‌نشست، انگار وجود نداشت.»

لیلیان رابین می‌گوید:

«راست است که پدران برخی خانواده‌های طبقه متوسط را نیز می‌توان مثال آورد که آدم‌های کم حرفی بودند، یا "عضو خانواده" نبودند. اما هیچ‌کدام از بچه‌هایی که در چنین خانه‌هایی بزرگ شده‌اند، این نوع در خود فرو رفتن، این نوع

کناره جویی را که به کرات در خانه‌های کارگران تجربه شده است، به یاد نمی‌آورند. فرزند یک پدر متخصص شاید به یاد آورد که او

"همیشه کار می‌کرد، حتی وقتی که در خانه بود"؛ که "به شدت مشغول بود" یا "همیشه به نظر می‌آمد مسئله‌ای فکرش را به خود مشغول کرده است." اما همین شخص نیز بیش از فرزند یک کارگر حضور پدر را در زندگی خانوادگی حس می‌کرد؛ حتی اگر این حضور فقط سر میز شام و هنگام گفتگوی خانوادگی می‌بود. پس به نظر می‌آید در خانواده‌های مرفه، مشغله فراوان پدران در یادها مانده است، ولی در خانواده‌های کارگر، کناره جویی، زنده‌ترین خاطره فرزندان می‌باشد.»

بسیاری از پدران کارگر احساس ناتوانی می‌کنند؛ آن‌ها می‌دانند که این تقصیر آنان نیست. در جامعه‌ای که پول منبع عزت نفس و قدرت است، کارگران هیچ‌یک را ندارند. آن‌ها احترام برانگیز نیستند. آن‌ها به خودشان، به کارشان اطمینان ندارند. کودکان شان، این را به روشنی حس می‌کنند.

«وقتی معلم‌ها، خانواده‌ای را که آنها به آن تعلق دارند و ارزش‌هایی را که آنها در خانه فرا گرفته‌اند، تحقیر می‌کنند، آن‌ها می‌فهمند. می‌دانند که هیچ کارگر کارخانه‌ای، هیچ راننده کامیونی، هیچ کارگر ساختمانی‌ای قهرمان فیلم‌های تلویزیونی نیست. می‌دانند که والدین شان آدم‌های "حسابی" تلقی نمی‌شوند... و از همه بدتر، می‌دانند که والدین شان هم این چیزها را به خوبی می‌دانند. پس دیگر چرا فرزندان شان را وادار کنند که "بهتر" کار کنند، که "بهتر" از خودشان باشند؟" چرا دیگر در آن‌ها خشم فراگیرتر و طغیان برانگیزتری را بپروراند؟

در صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه‌هایتان را به یکی از آدرس‌های زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره‌های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فداییان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
(اقلیت) ۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):
۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)
No 462 september 2005

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی